



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### موضوع: اعداد صلاة/نوافل/صلاة غفيله

بجثمان در مسئله اول عروه در این رابطه بود که: «يجب الإتيان بالنوافل ركعتين ركعتين إلا الوتر، فإنها ركعة . و يستحب في جميعها القنوت حتى الشفيع على الأقوى في الركعة الثانية وكذا يستحب في مفردة الوتر»<sup>۱</sup>، دیروز عرض کردیم که روایات این موضوع در باب ۱۵ از ابواب اعداد الفرائض ونوافلها در وسائل الشیعة ذکر شده که دیروز آنها را دسته بندی کردیم و مقداری از آنها را خواندیم.

گفتیم که ۱۸ خبر در این باب ۱۵ وجود دارد، خبر ۲ و ۳ دلالت داشتند بر اینکه باید نوافل دو رکعتی باشند، البته در سند خبر ۲ عبدالله بن حسن وجود دارد که از نظر علم رجال توثیق نشده و مورد انتقاد است و خبر ۳ نیز مرسل می باشد منتهی چون این دو خبر شدیداً مورد عمل فقهاء هستند ضعفشان جبران می شود و البته در مورد دو رکعتی خواندن نوافل سیره مداوم متشرعه برقرار می باشد که خود این سیره نیز یک دلیل محکمی بر این مطلب می باشد و همچنین اجماع تعبدی نیز بر این مطلب (دورکعتی خواندن نوافل) وجود دارد خلاصه از نظر دلیل شرعی مطلب محرز و مسلم می باشد.

**تتمه:** عرض کردیم که خبر ۲ و ۳ بر ما نحن فیه دلالت دارند و حدوداً ۱۰ خبر نظر به قول ابوحنیفه داشتند که می گوید نماز شفع و وتر را باید باهم و در قالب یک نماز سه رکعتی خواند و در بین نباید سلام داد و بعد به مجموع این سه رکعت می گفت نماز وتر، فقط مطلبی که باقی می ماند این است که سه خبر در آخر باب ۱۵ ذکر شده که باید حمل بر تقیه کرد زیرا دلالت دارند بر اینکه شما مخیر هستید در بین سه رکعت شفع و وتر سلام بدهید یا اینکه در آخر سه رکعت سلام بدهید در حالی که طبق مبنای مشهور امامیه باید در رکعت دوم شفع سلام داد

و بعد وتر را خواند پس این اخبار حمل بر تقیه می شوند و صاحب وسائل نیز در پایان فرموده: «أقول: حمل(اخبار ۱۶ و ۱۷ و ۱۸)الشیخ هذه الأحادیث الثلاثة على التقية وجوز فيها أن يراد بالتسليم من الكلام وغيره ويأتي ما يدل على استثناء صلاة الاعرابي وصلوات اخر في الجمعة، وفي الصلوات المندوبة»<sup>۲</sup>.

مقدس اردبیلی در مجمع الفائدة والبرهان با این مطلب (دو رکعتی خواندن نوافل که شعار و سیره و مجمع علیه ما امامیه است) مخالفت کردند و فرمودند همینکه صلاة صدق کند مشمول مطلقات و عمومات "أقيم الصلاة" می شود و همچنین دو رکعت و سه رکعت نیز نماز هستند خصوصاً اگر قائل شوم الفاظ عبادات برای اعم وضع شده اند، یکی از عزیزان نوشته اند نماز غدیر ده رکعت است که عرض می کنیم فقط نماز وتر و نماز اعرابی استثناء شده اند و بقیه نمازهای مستحبی همه دو رکعتی هستند.

**جواب مقدس اردبیلی:** این تعبیرات عام دلیل بر کیفیت نیستند بلکه فقط در مقام بیان اصل مطلب هستند مثلاً "أقيم الصلاة" فقط در مقام تشریح حکم وجوب نماز می باشد و دیگر به کیفیت و حتی کمیت آن کاری ندارد پس نمی توان در مقابل آن ادله (روایاتی که دلالت دارند بر اینکه نمازهای مستحبی باید دو رکعتی خوانده شوند) به این عمومات تمسک کرد، در اواخر جلد اول کفایه در بحث مطلق و مقید نیز خوانده ایم که لفظ نکره یا کلمه معرف به الف و لام جنس فقط ماهیت را می رساند، مثلاً "اکرم رجلاً" دال بر اکرام تمام افراد از این ماهیت نیست بلکه این مطلب نیاز به مقدمات بیان و مقدمات اطلاق دارد که سه مقدمه می باشد؛ اول اینکه متکلم در مقام اجمال و اجمال نباشد، دوم اینکه در مقام مخاطب قرینه معین نباشد یعنی در مقام مخاطب قدر متیقن نباشد، سوم اینکه نصب قرینه در خصوص یک فرد یا یک صنف نشده باشد، خلاصه اینکه باید این مقدمات وجود داشته باشد لذا ما به

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۳، ص ۴۸، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، باب

۱۵، حدیث ۱۸، ط الاسلامیه.

<sup>۲</sup> العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۴۶، ط جماعة المدرسین.

کلام صاحب جواهر را دیروز خواندیم، ایشان در ادامه کلامشان در مورد صلاة اعرابی می فرماید ما دلیل قطعی نداریم بر اینکه صلاة اعرابی مشروع نباشد و بعد ایشان می فرماید البته در کتب ادعیه نیز بعضی از نمازهای مستحبی ذکر شده که مثلا ده رکعتی هستند ولی دلیلی بر آنها نداریم.

در مفتاح الجنان ذکر شده که هر کس این دعا را بخواند گناه ۵۰ ساله او آمرزیده می شود، در این موارد عرض می کنیم که اینها روایاتی را می دیدند و بر اساس آنها این ادعیه را می نوشتند منتهی اینها شرائطی دارند و اینطور نیست که با چهار خط دعا کل گناهان آمرزیده بشود، از طرفی ما باید کل روایات و کلمات معصومین علیهم السلام را با هم بینیم نه اینکه یک روایت بینیم و طبق آن بنویسیم و حکم کنیم چون بالاخره این روایت مخالف و مطلق و مقید و امثال اینها دارد و صاحب جواهر تمام این مطالب را بیان کرده و فرموده هرچند صلاة اعرابی بخصوصه دلیل دارد ولی بدانید که در کتب ادعیه ما از این نمازهای زیاد هستند که بر طبق روایاتی نوشته شده اند درحالی که باید سند و متن آنها بررسی شود و اینکه آیا معارضی دارند یا ندارند.

حاج آقا رضای همدانی نیز این بحث را مفصلا مطرح کرده و در پایان کلامش فرموده در عموماتی مثل "أقیم الصلاة" متکلم از همه جهت در مقام بیان نبوده بلکه فقط کلیاتی را گفته و برای دانستن شروط و اجزاء و کیفیت باید به اخبار دیگر مراجعه کنیم، بنابراین مطلب صاحب عروه که فرموده؛ "يجب الإتيان بالنوافل ركعتين إلا الوتر، فإنها ركعة" مخالفی ندارد.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

مقدس اردبیلی عرض می کنیم عموماتی مثل "أقیم الصلاة" در مقام بیان کیفیت و حتی کمیت نیستند بلکه در مقام اهمال و اصل تشریح هستند پس این حرف مقدس اردبیلی درست نیست و ما نمی توانیم آن را قبول کنیم.

در این مسئله ای که از عروه خواندیم و مربوط به دو رکعتی خواندن نمازهای مستحبی بود هیچکدام از محشین عروه حاشیه ندارند و معلوم می شود که این حکم مورد قبول تمام فقهاء می باشد.

مطلب دیگر اینکه دو شرح از شروح عروه برای مطالعه بچثمان بسیار مفید هستند اول مذهب الاحکام تالیف سید عبد الاعلی سبزواری و دوم مستمسک العروه تالیف آیت الله حکیم، البته کتاب مستند العروه تالیف آیت الله خوئی و مصباح الفقیه تالیف حاج آقا رضای همدانی نیز بسیار خوب هستند.

آیت الله خوئی در بحث ما اول سعی کرده ادله ما را کم رنگ کند، دلیل عمده ما اجماعات و سیره و آن دو خبر از باب ۱۵ بود، ایشان فرموده اجماعات مدرکی هستند مثل اجماعاتی که در بحث منزوحات ماء البئر ذکر شده بود که چندین قرن مورد اجماع بود ولی از زمان علامه این اجماعات کنار رفتند چون مدرک مجمعی در دست بود و بعد از بررسی مدارک آنها رد شد و به تبع آن اجماعاتشان هم از بین رفت، و اما ایشان خبر ۲ و ۳ از باب ۱۵ را نیز به علت ضعف سند رد می کند که به تبع آن سیره نیز رد می شود و بعد می فرماید دلیلی نداریم که نماز مستحبی حتما باید دو رکعتی خوانده شود فلذا بر اساس علم اصول وقتی دلیل اجتهادی نداریم به سراغ اصول عملیه می رویم، استصحاب در اینجا جاری نمی شود چون چون حالت سابقه ندارد، اگر برائت جاری کنیم باید بگوئیم تشهد و سلام در رکعت دوم واجب نیست و اگر اشتغال را جاری کنیم باید بگوئیم تشهد و سلام در رکعت دوم واجب است، بعد ایشان می فرماید ما در احکام الزامی مثل وجوب و حرمت به سراغ اصول عملیه می رویم نه در مستحبات، خلاصه ایشان بعد از کلی بحث ناچار به سراغ همان کلام مشهور فقهاء رفته و پذیرفته که نمازهای مستحبی باید دو رکعتی خوانده شوند.